



پیام نامه شورای بازپس گیری ایران

شماره ۳ ۲۲ بهمن ۲۵۸۱ شاهنشاهی، ۱۴۰۱ خورشیدی، ۱۱ فوریه ۲۰۲۳
تلفن گروه نویسندگان و نگارش در آمریکا ۱۶۵۰۵۲۹۵۲۳۴ در اروپا ۰۱۱۳۳۶۳۲۳۸۸۰۴۳

بازگشت به خویشتن خویش

بخش ۳

ژاله دفتریان

شما ای دختران و شما ای جوانان ایرانی هزاران آفرین دارید. در درازای زندگی درازم به ویژه در این چهل و اندی سال همیشه به ایرانی بودن خود سرفراز بوده ام.

- سرفرازی من این روزها دو سد چندان شده است. چرایی آن هم جنبش آزادیخواهی جوانان به ویژه زنان ایران است.

- زنان و جوانان امروز با جنبشی که در ایران به راه انداخته اند جهان را انگشت به دهان و هاج و واج کرده اند.

- این جوانان زندگی، جوانی و هست و نیست خود را به گرو گذاشته و تلخکامی را به جان خریده اند تا آزادی را که جمهوری اسلامی که سودایی جز سود خود ندارد، از آنها گرفته به دست آورده و آزاد زندگی کنند.

- و ... و ... این از خودگذشتگی ارزش بسیار دارد

دیشب (بیستم ژانویه ۲۰۲۳) در کانال ۲۴ تلویزیون فرانسه برنامه ای بود در پشتیبانی و ستایش از بانوان ایرانی. زیرا

بازنده ایران

زهرا صفار پور

در آموزش و پرورش چه میگذرد ؟

در رژیم اسلامی دست‌هایی در کار است تا آموزش و پرورش را که نقش اساسی در ساختار تربیت نیروهای فداکار و فعال و مسوول را دارند از رسیدن به اهداف ملی دور کنند ، و دانش آموزان میهن را به گونه طلاب در حوزه تربیت کنند ؟ و هر آنچه را که در دوران شاهنشاه اریامهر محمدرضاشاه پهلوی برای تربیت مدرسین مدارس در تمام مقاطع تحصیلی از دبستان تا دبیرستان برنامه ریزی شده و به اجرا درآمده بود از بین ببرند ، که چنین هم کرده اند.

نگاهی به ساختار نظام آموزش در زمان فرمانروایی پادشاه فقید. مراکز تربیت معلم عبارت بودند از :

◆ دانشسرای مقدماتی روستایی و عشایری که بعد از گذراندن دوسال تحصیلی معلمین زیر نظر استاد راهنما بکلاسها ی درس میرفتند.

معلمین عشایری همراه با ایل خود در سفر بودند همزمان با توسعه و پیشرفت جامعه

◆ تربیت معلم یکساله تاسیس شد تربیت شنوندگان بعد از پایان دوره یکساله وارد مدارس کشور میشدند همزمان برای تربیت

بردهان مدرسین مدارس بویژه دانشجویان دانشگاه تربیت معلم بزنند .

واین سکوت معلمین وعدم آگاهی اولیای دانش آموزان سبب شد تا طلاب کم سواد حوزه ودست نشانده رژیم را از طریق دانشگاه فرهنگیان وارد مدارس ایران کنند وکودکان ونوجوانان وجوانان را غرق در تفکر جهل وجهالت مذهبی خود تربیت کنند ودر استخدام خود دراورند .

این تصمیم ضد ایرانی ، سازمان آموزش وپرورش را از اهداف وپرونامه های ملی دورکرده ، وعلم ودانش و فرهنگ وادب وهویت ایرانی را که هزاران سال مایه افتخار ایرانیان بوده بکل نابود گردانند .

هموطن اجرایی شدن چنین تصمیمی ه که طلاب را بنام آموزگار به مدارس فرستادن فاجعه جبران ناپذیری به جامعه کنونی واینده ایران خواهد بود..

امید که مدرسین واموزگران محترم بهمراه پدران ومادران با آگاهی ازشرایط پیش آمده ، در نظام آموزش کشور با اعتراض خود مانع چنین تفکر ضدملی ومیهنی رژیم اسلامی بشوند.

پیروزی نزدیک است

به ایران بیندیشم

زن زندگی آزادی

نگهبانان نهاد شاهنشاهی

شورای باز پس گیری ایران

زهرا صفارپور

پیروزی نزدیک است

مدرس در دبیرستان های کشور هم

◆ دانشسرای عالی واقع درتهران برای دروس مختلف دبیر تربیت می کرد .

بعد از سه مرحله ای شدن نظام آموزشی دبستان- راهنمایی- دبیرستان

◆ دانشسراهای راهنمایی درسال ۱۳۵۲ تاسیس شد و دانشجویان در همان رشته تحصیلی که دیپلم گرفته بودند ، ریاضی ، علوم انسانی ، علوم طبیعی بعد از گذران دوره دوساله با مدرک کاردانی وارد مدارس راهنمایی در سراسر کشور میشدند

◆ جدای از مراکز یادشده برای رفع کمبود مدرس درکلاسهای درس درکنکور سراسری به دانشجویان علاقمند به تدریس فرصت داده شد که با انتخاب رشته مورد نظر خودشان تعهد دبیری بدهند قابل ذکر است که مدت زمان تحصیلشان جز سنوات خدمتشان محسوب میشد .

در دوران پادشاهی محمد رضا شاه پهلوی آموزش وپرورش نقش خاصی درتربیت نیروهای مسول وخدمت گذار به ملت را ایفا می کرد، از اینرو اهداف تربیتی براساس توسعه ونیاز ملی و پیشرفت دانش جهانی برنامه ریزی تربیتی میشد .

واما

بعد از روزواقعه شورش ۵۷ وتصرف غاصبان میهن بدست رژیم اسلامی همه آنچه که سالها برای نظام آموزشی کشور تلاش وبرنامه ریزی شده بود تمامی مراکز آموزشی دگرگون وتعطیل شد ، با دگرگون کردن کلیت نظام آموزشی سعی نمودند که تربیت فرزندان میهنمان درراستای افکار پلید ضدایرانی خود همسو کنند وبا ایجاد دانشگاه فرهنگیان توانستند با تهدیدهای شغلی مهر سکوت

←

ادامه در ستون روبرو

پل فکری درون ایران با شاهزاده

محمود احمدی

عضو گروه نویسندگان و نگارش

شاهزاده قبلاً در پیامی گفته بودند «اپوزیسیون واقعی، مردم داخل ایران هستند» که با اعتراضات خود جوش خود راهگشای قیام ملت ایران شده اند، این انتقال فکری بین مردم و شاهزاده راه درازی را پیمود تا اکنون بصورت يك واقعیت عملی در آمد، پیام هایی که از جوانان داخل ایران با ما در میان گذاشته میشود ، و در دو شماره گذشته پیام نامه شورای باز پس گیری ایران ، مستقیم به نقش شاهزاده در دوران گذار از جمهوری اسلامی اشاراتی داشتند و اکنون که شاهزاده با گرایش فکری جوانان درون ایران قبول رهبری کرده اند و در پیامی که می گویند: "از شما هستیم و با شما، تا زمانی که حکومتی ملی، دموکراتیک و منتخب مردم زمام امور را در دست بگیرند، از پا نخواهیم نشست "

با گفتار جوانان که می گویند:

"بجنگیم میمیریم ایران پس می گیریم"

همخوانی دارد .

حتی خط قرمزهای شاهزاده برای پرچم ملی شیر و خورشید نشان، تمامیت ارضی ایران، دموکراسی سکولار و حقوق بشر هم با جوانان هم سویی دارد.

جوانان ایران همواره خواستار یکپارچگی و تمامیت ارضی ایران با هدف حاکمیت ملی و حکومت مردمی و جلوگیری از قطعه قطعه شدن ایران هستند و همیشه در نوشته های آنها

بفیه در رویه ۴ ستون ۱

بفیه برگشت به خویشتن از رویه ۱

که جهان دریافته این جوانان به ویژه بانوان ایران به راستی کاری کرده اند کارستان.

در برنامه ی نامبرده از همه دست هنرمندان، فرانسوی - عرب - افریغایی و ... برای پشتیبانی از زنان ایرانی به هنرنمایی پرداختند.

در جهان امروز چنین جنبشی پیشینه نداشته است و می توان گفت جوانان ایران افسانه آفریدند.

- چهل و اندی سال است که مردم ایران با زنگارهای واپس ماندگی ستیز و پیکار می کنند

- در درازای تاریخ زن ایرانی نشان داده که خود باوری و شایسته سالاری آن را دارد که با مرد برابر باشد.

- هنگامی که تاریخ هفت هزار ساله ی ایران را زیر و رو می کنیم به این سخن رسیده و آن را باور می کنیم.

شما دختران ایران نشان دادید که جانشینان ایراندخت و پوراندهخت دو پادشاه زن سامانه ی ساسانی هستید و من سرفرازم که هم میهن شما هستم.

- شما با جنبش خود و به آتش انداختن روسری هایتان نشان دادید که زن ایران گوهری دارد که خریدنی نیست.

- درستی با شماست که نپذیرفته و نمی پذیرید روسری سر کنید. زیرا در آغاز برپایی جمهوری اسلامی که آغاز سیه روزی ما ایرانیان بود آرنگ (شعار) این می بود یا روسری یا توسری و شما نپذیرفتید توسری بخورید و هزاران آفرین دارید.

- این گوهر چیزی نیست جز برابر و هم ایستا بودن با مرد.

دی ماه ۲۵۸۱ ایرانی

برابر با ژانویه ۲۰۲۳ ترسایی

با تمام وجود جدائی دین از حکومت را مد نظر داشته اند.

واما!

چرا حقوق بشر؟ برای اینکه حقوق بشر محتوای اصلی و تکیه گاه دموکراسی نوین است و در واقع حقوق بشر حق حیات و زندگی، حق بیان و آزادی عقیده، حق کار، حق خانواده، حق مالکیت، حق برابری مدنی و شهروندی، حق تعیین مکان و جستجوی خوشبختی و ترک کشور و بسیاری حقوق های ریشه ای و حتی حق امنیت را برای مردم خواسته است و جمهوری اسلامی تمامی این حق ها را پایمال کرده است.

جوانان درون مرز در نوشته ها و گفتارهای خود با نام های "سام" و "اریوزن" معرفی می شوند و سخنگوی بسیاری دیگر هستند می گویند ما سلامت سیاسی و شکیبایی و بردباری شاهزاده را کاملاً درک می کنیم و با همه گونه عمل کرد ایشان همراه هستیم، از اینکه در میدان مبارزه سکان حرکت را در دست گرفتند و همه زوایای فکری را مورد نظر دارند طرفداران خود را در میان مردم روز به روز افزایش می دهند، مضافاً اینکه در آمارگیری هایی که انجام گرفته نشان دهنده این است که در صد بالایی ایشان را برای انتقال قدرت صدا می زنند. حتی در يك نظر سنجی که اخیراً صورت گرفت شاهزاده را مناسب ترین شخص برای تشکیل مجلس موسسان برای گذار از جمهوری اسلامی می دانند.

اریوزن" با توجه به رویکرد آرمانی-ساختاری فرهنگ ایرانشهری پیشنهاد می کند: "جایگاه نهاد تاریخی پادشاهی ایران که بزرگترین پدیده بروندادی فرهنگ ایرانشهری می باشد لازم است مکانیسم های عینی و مشهود کارکردهای نظام پادشاهی را در سطح گسترده و پوشش سراسری برای ملت ایران از طریق

بفیه در رویه ۶



دادگاه ملی

اعلامه

فروش اموال متعلق به ملت غیر قانونی است

کلیه اموال و املاکی که از گذشته در اختیار دولت های قانونی کشور بوده ، اکنون از بد حادثه به تصرف عدوانی دولتی نامشروع در آمده است . رژیم با صدور دستور العملی مبادرت به تعیین هیئتی زیر نام **مولد سازی** کرده که غیر قانونی است و هیچ گونه اعتبار حقوقی ندارد .

شورای باز پس گیری ایران اخطار می کند

افراد دست اندر کار این معاملات غیر قانونی چه فروشنده و چه خریدار بعنوان مباشر یا شریک جرم در دادگاه ملی تحت تعقیب و پی گرد قانونی قرار خواهند گرفت و علاوه بر استرداد مورد معامله برابر قانون به مجازات نیز خواهند رسید.

همچنین اخطار میشود که اصولاً املاک وقفی قابل فروش نمیباشند . فروش ملک وقف شده جرم محسوب می شود و فروشنده تحت عنوان فروش و انتقال مال غیر، قابل تعقیب جزایی و مدنی است.

پاینده ایران

شورای باز پس گیری ایران

خبر و تفسیر خبر

علی کر بلائی

از ایتالیا

دعوت اخیر دولت آلمان و برگذارکنندگان گردهم آئی امنیتی مونیخ از وارث تاج و تخت پادشاهی ایران ، زمانی از اهمیت بایسته برخوردار میشود ، که عملاً کشوری از اتحادیه اروپا که در صدد وارد کردن سپاه پاسداران جمهوری اسلامی به لیست تروریستی در این اتحادیه است و یکی از شرکای مهم اقتصادی جمهوری اسلامی ایران محسوب میشود ، از طرز رفتار رژیم ملایان در ایران و سرکشی این حکومت در زیرپا گذاشتن ارزشهای صلح جهانی و پایمال کردن حقوق انسانی در همه زمینه ها در کشور تحت سلطه ملایان نا امید شده و برخلاف سالهای قبل که از نمایندگان رژیم حاکم بر ایران برای شرکت در این همایش بین المللی دعوت بعمل می آورد بنا بخواست ملت ایران از دعوت از آنان صرفنظر کرد و وکیل ایرانیان را بعنوان پیام آور صلح و دوستی و مودت و یکی از مهمترین شخصیت های برانداز جمهوری اسلامی ایران را به این همایش بین المللی و بعنوان وکیل ملت ایران دعوت کرد. بنظر میرسد ، که رژیم خامنه ای ناتوان از بازکردن گره های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و مذهبی که به دور خود تنیده و ناتوان از پاسخگویی به طرفداران اصلاح طلب و اصولگرای خود ، روز به روز بسته تر و دست تر و مستبدتر و در منطقه خاورمیانه و جهان در عین ناتوانی اقتصادی و نظامی دست به ماجراجویی زده و چند کشتی جنگی را به سواحل دریائی پاناما و مرزهای آبی ایالات متحده اعزام میدارد و وابسته به روسیه میشود که در این راستا

اعلامیه شورای باز پس گیری ایران

در پی دعوت شاهزاده ایراندوست و فرهیخته از ملت ایران و همه گروه ها و احزاب سیاسی با هر مرام و مسلکی که باورمند به سه اصل ۱- تمامیت ارضی ایران ۲- دموکراسی و حقوق بشر (حکومت مردم بر مردم)

۳- سکولاریسم (جدایی دین از سیاست) باشند آمادگی خود را در فراخوان روز ۲۲ بهمن امسال اعلام میدارد . تا جهانیان به آن بیداری برسند ، که کشتن مهسا امینی نقطه عطف یکپارچگی و اتحاد ملت ایران شد ، که تا رسیدن به پیروزی آرام نمیگیریم و با شرکت میلیونی خود در ایران و بیرون از میهن این روز را با همه توان به روز (حماسه ملی) در تاریخ ایران به ثبت خواهیم رساند . اعضای شورای باز پس گیری ایران که گروهی متشکل از پادشاهی خواهان درون و بیرون از ایران هستند . از هموطنان خود انتظار دارند ، اختلافات را کنار گذارده ، از تصمیمات و تبلیغات دروغین و تفرقه امیز رژیم ملایان پرهیز کنیم و با حضور میلیونی خود ، روز ۲۲ بهمن امسال را بنام روز حماسه ملی ایرانیان در تاریخ ایران و جهان ، ثبت کنیم . قطعاً حرکت میلیونی و تاریخی ساز ، ما ایرانیان داخل و بیرون پایان مرگ دیکتاتوری رژیم اسلامی خواهد بود

به ایران بیندیشم .

چون بر پایه نظر سنجی های موجود، شاهزاده رضا پهلوی تنها

شخصیت قانونی مورد اعتماد اکثریت ملت ایران هستند، هر گروه

یا شخصیتی را برای ائتلاف یا همبستگی ملی در راه رهایی ایران

شخصاً برگزینند مورد پشتیبانی شورای باز پس گیری ایران میباشد

شریک تعرضات بین المللی روسیه در حمله به اکرین و تامین کننده سلاح برای پوتین محسوب شده و جامعه جهانی را وادار به عکس العمل منطقی و گوش فرادادن فریاد مردم ایران در طلب آزادی و دمکراسی طبق منشور حقوق بشر سازمان ملل متحد مینماید.

رژیم خامنه ای و شخص وی در آینده ای نه چندان دور با بیدار شدن وجدان مخالفان سیاسی ولیعهد ایران و متحد با اوشاهد سرنگونی جمهوری اسلامی خواهد بود روز هجدهم بهمن ماه و در ادامه همکاری و همگرایی تعدادی از مخالفان جمهوری اسلامی ضمن انتشار متن مشترکی در حساب توئیتری خود از ایرانیان خواستند تا در گردهمائی روز جمعه در دانشگاه جرج تاون شرکت کنند تا در باره آینده دمکراسی و خیزش مردمی بنام زن زندگی آزادی سخن بگویند. شرکت کنندگان در این گرد همائی عبارتند: ولیعهد ایران شاهزاده رضا پهلوی و حامد اسماعیلیون و شیرین عبادی و علی کریمی و مسیح علینژاد و عبدالله مهدی و نازنین بنیادی و گلشیفته فراهانی که این متن مشترک را امضا کرده و از جمله سخنرانان این گردهم آئی خواهند بود.

دومین

بیانیه شورای باز پس گیری به مناسبت

یازدهم فوریه برابر با بیست و دوم بهمن

از جوانان درون ایران

بنام خدای رنگین کمان اکنون که چهل و سه سال است سیاهی و تباهی و پلیدی سرزمینمان را فرا گرفته است و ضحاک برای ادامه حکومت تنگنیش خون پاک جوانانمان را میریزد حال که پر سوم سیمرخ که همان اتحاد و همبستگی و ملی گرایی است را مهسهاها، نیکاهها، ساریناها، مهرشادهها، خدانورها و کیانها و عرفانها و محمدها به آتش کشیده اند، همسو با دعوت شاهزاده رضا پهلوی ایرانیان را در سراسر گیتی به خروش و راهپیمایی روز یازدهم فوریه بیست و دوم بهمن دعوت میکنیم تا حمایت همه جانبه خود را از اعتراضات و اعتصابات ایرانیان داخل کشور و اعتراض خود را به بی تفاوتی و واکنش حداقلی کشورهای اروپایی نسبت به جنایات جمهوری اسلامی نشان دهند پاینده ایران

زن زندگی آزادی

مرد میهن آبادی

شورای باز پس گیری ایران

رسانه های همگانی و سوشیال مدیا با همین خوراک فکری ترویج کنیم. با توجه به آنچه که جوانان درون مرز در اتاق فکر خود با مسائلی که روزانه با آن مواجه هستند برنامه ریزی می کنند و در سراسر ایران بکار می اندازند در عین حال اطمینان دارند همانگونه که شاهزاده حرکت می کنند و فرهنگ سازی سیاسی را در باب هویت ملی و ناسیونالیسم ایرانی دنبال می کنند در نهایت دوره سیاهی و تباهی ملت ایران را پایان خواهند داد. پایان

برتری سامانه پادشاهی بر سامانه جمهوری

اسداله نصر اصفهانی

بخش ۱

سامانه مشروطه پادشاهی

مشخصه این سامانه که نظامی موروثی و برای همه عمر پادشاه است و به گونه های متفاوت موجودند، دارای قانون اساسی مدون یا غیر مدون میباشند و اختیارات پادشاه محدود بوده و «قوای مملکتی» که ناشی از ملت است از یکدیگر متمایز و روابط آنها کاملاً مشخص و تعریف شده هستند.

قانون اساسی مشروطیت که دست آورد جنبش مشروطیت در پی بیداری ایرانیان بود، سلطنت مطلقه را به سامانه پادشاهی پارلمانی تبدیل کرد و قوه مجریه و مقننه و قضاییه که در اختیار شخص سلطان بود به ملت واگذار گردید و برای نخستین بار در پانصد سال اخیر در ایران حاکمیت مردم پا گرفت. رعیت، ملت و شهروند شد و پادشاه که حقوق بده رعیت بود حقوق بگیر ملت و نمایندگان ملت شد.

سامانه جمهوری

در تعریف کلی، جمهوری شیوه حکومتی است که بر پایه مردم سالاری (دموکراسی) یا غیر دموکراسی برپا شده، مردم حق حاکمیت بر سرنوشت اجتماعی خودشان را به طور مستقیم یا غیر مستقیم از طریق زمامدارانی که با رضایت و رأی مستقیم یا غیر مستقیم آنان به گونه ای که توارث در آن

دخالتی نداشته باشد تعیین میکنند و آنان نیز اقتدارات معین قانونی خود را در یک مدت محدود و تحت نظارت آنان اعمال می نمایند

هر چند شرط اصلی جمهوریت غیر موروثی بودن است ولی در بسیاری از جمهوریهها فرزندان رؤسای جمهور مقام ریاست جمهوری را به ارث میبرند

۴۲ کشور هستند که بانظام پادشاهی و حاکمیت مردم یا مردم سالاری اداره میشوند. در بسیاری از آنها مردم سالاری بیشتر از کشورهایی است که بنام جمهوری ولی بادیکتاتوری مطلق یا نسبی اداره میشوند.

در نظامهای جمهوری امروزی جهان حکومتها دارای قانون اساسی هستند و با توجه به معنای عام مشروطه جزو حکومتهای مشروطه قلمداد میشوند. بنا بر این اگر باور سیاسی دسته یا گروهی یا شخص یا جماعتی نظام «مشروطه» است، نباید لزوماً آنها را طرفدار نظام پادشاهی دانست. در پادشاهی مشروطه، اصل پادشاهی بودن نظام است و صفت آن مشروطه.

پایه های بنیادی مشروطه پارلمانی پادشاهی

سامانه پادشاهی مشروطه پارلمانی نظامی است که:

- ۱- دارای قانون اساسی مدون باشد و در آن قوای مملکتی تعریف و حدود اختیارات و چگونگی کنترل و روابط آنها با یکدیگر مشخص شده باشند.
- ۲- حق حاکمیت با مردم است. مردم این حق را از راه انتخاب نمایندگان مجالس قانونگزاری و انتخاب مستقیم یا غیر مستقیم نخست وزیر اعمال میکنند.

نخست وزیر منتخب اکثریت ، برنامه های اجرایی و سیاست اداره حکومت را تعیین میکند. برای تضمین حق حاکمیت مردم ، احزاب سیاسی در چهار چوب قانون اساسی آزادند.

۳- ریاست کشور را پادشاه عهده دار است و بالای همه قوای مملکتی است. **پادشاه ، پادشاهی میکند نه حکومت.** پادشاه به هیچ دسته و گروه سیاسی یا عقیدتی یا مذهبی تعلق ندارد و توانایی او فرا حزبی و فرا مذهبی و فرا تیره ای و قبیله ای و عشیره ای و جغرافیائی است. نهاد پادشاهی پدیده ایست برای ایجاد و نگهداری یکپارچگی و یگانگی ملی و نشانه استقلال کشور. پادشاه نقش پدر را در خانواده بزرگ ملت دارد و در صورت بروز اختلاف بین شهروندان این خانواده یا بین نیروهای کشوری ، بالاترین داور است ، حافظ و تضمین کننده حقوق انسانی همه افراد ملت بویژه اقلیتها است تا حکومت اکثریت نتواند حقوق آنها را زیر پا بگذارد نظام پادشاهی یک نهادویک مؤسسه حقوقی و فرهنگی دائمی است و در هر زمان پادشاه وقت نماد آنست. مفهوم این اصل در قانون اساسی تقریباً تمام کشورهای پادشاهی وجود دارد و دارای بار حقوقی بسیار مهم میباشد. مثلاً در ایران بر اساس اصل سی و پنجم متمم قانون اساسی مشروطیت « سلطنت ودیعه ایست که بموهبت الهی از طرف ملت به شخص پادشاه مفوض شده »

مقایسه جمهوری و نظام پادشاهی مشروطه پارلمانی

از دید جمهوری خواهان:

۱- چون مردم آزاد بدنیا آمده اند باید آزاد زندگی کنند. حق حاکمیت با مردم است و در رأس هرم قدرت باید رئیس جمهور منتخب مردم قرار گیرد. رئیس جمهور مشروعیت خود را از رأی مردم میگیرد و چون برای مدت محدود انتخاب میشود نمیتواند دیکتاتور بشود. بنظر برخی از جمهوری خواهان ، جمهوری مساوی است با آزادی و پادشاهی یعنی دیکتاتوری. **که این دروغی است بزرگ**

۲- نظام پادشاهی در ذات خود غیر دموکراتیک است. موروثی بودن مقام پادشاهی با برابری انسانها و حقوق بشر منافات دارد زیرا :

(۱) اگر نماد پادشاهی دارای اختیارات سیاسی- اجرایی گسترده ای باشد (مانند بلژیک-انگلستان ایران پیش از سال ۵۷) این اقتدار و حقوق پادشاه از نظر دموکراسی غیر قابل توجیه است. (۲)

چرا باید مردم رای یک فرد را که بر اساس تولد و وراثت عنوان پادشاهی را دارد بپذیرند؟ مثلاً در انگلستان اگر هیچیک از احزاب در انتخابات اکثریت نداشتند ، پادشاه (ملکه) حق انتخاب حزب حاکم را داشته باشد. یا در بسیاری از کشورها مصوبات مجالس تابه امضای (توشیح) پادشاه نرسد قوت قانونی نداشته باشد؟ یا با اهرمی سیاسی بنام مجلس اعیان یا سنا پادشاه بتواند در سیاست عمومی و کلی کشور نقش مؤثر داشته باشد. (۳) حتی اگر اختیارات پادشاه محدود باشد یا اصولاً فاقد اختیار باشد. چنین نهادی نمایانگر سیستم طبقاتی گذشته است و حامل این

پیام به ملت است که: « برای مملکت اینکه از چه شخص یا طبقه یا نژادی متولد شده اید مهمتر است تا اینکه برای مملکت چه خدمتی می‌توانید بکنید.» این امر سبب جلوگیری از شکوفا شدن استعداد های فردی و ابداعات و مدیریت و کارفرمائی پیشرفته میشود و امکان تغییرات اساسی اجتماعی و دگرگونی کلی سیاسی را از جامعه سلب میکند. (۴) نگهداری نهاد پادشاهی نیاز به هزینه بسیار گزاف دارد که با توجه به بازده آن قابل توجیه نیست. هزینه پرداخت حقوق به پادشاه و بستگان و زندگی مجلل و اسراف آمیز و خدم وحشم تجملی و تعطیلات، تفریحات و سرگرمیهای پر هزینه و تأمین امنیت پادشاه و خاندان و نگهداری کاخها، تحمیلی است بر بودجه کشور که از مالیات پرداختی ملت تأمین میگردد.

در برابر دلایل فوق باید توجه داشت که:
۱- در یک قرن اخیر بدترین دیکتاتور ها در نظامهای جمهوری خلق شده اند و به رؤسای جمهور مادام العمر حتی جمهوری موروثی تبدیل شده اند. استالین، هیتلر، فرانکو، فیدل کاسترو، قذافی، صدام حسین، حافظ اسد و پاره ای از جمهوریهای امریکای لاتین حتی آفریقائی (ایدی امین) نمونه های آن هستند. در مقابل بهترین دموکراسیهای جهان را میتوان در نظامهای پادشاهی موجود در جهان. (بلژیک، سوئد، دانمارک، نروژ، اسپانیا، انگلستان، ژاپن و.....) جستجو کرد. در هر دو نظام جمهوری و پادشاهی از دیکتاتوری لیبی گذشته - عربستان سعودی) تادموکراسی مطلوب (سویس -

سوئد) به چشم میخورند. اگر در کشوری مردم بعلت پائین بودن سطح دانش عمومی یا نبود فرهنگ سیاسی دیکتاتور پذیر یا دیکتاتور پرور باشند، آن کشور با وجود تمام اصول زیبای دموکراسی مندرج در قانون اساسی به دیکتاتوری منجر خواهد شد بدون آنکه نوع نظام تأثیری در این روند داشته باشد. بنا بر این آنچه مهم است **عملکرد نظام است نه نوع نظام.**
۲- آزادی و مردم سالاری هدف نهائی نیستند، آنها خود وسائل و ابزارهائی هستند، برای غایت نهائی که انسانها باشند. باید دید کدام نظام به انسانها رفاه مادی و معنوی بیشتر ارزانی میکند و ارزش والای انسانی آنها را بیشتر ملحوظ میدارد؟ در نظام جمهوری مملکت دارای یک سیاست و خط مشی ثابت و مداوم نیست و با تغییر رئیس جمهور که احياناً ممکن است از حزب مخالف انتخاب شود، سیاست عمومی کشور دچار تحول و دگرگونی میشود و مملکت از ثبات سیاسی لازم برای انجام برنامه های رفاه اجتماعی برخوردار نخواهد بود. نظام پادشاهی نظام کارآمد و مؤثر تر سیاسی است. پادشاه موروثی و رئیس مملکت عامل بسیار مهم یا مهمترین پدیده برای **تداوم سیاسی، ثبات، امنیت و دموکراسی است.** در نظام پادشاهی چون پادشاه داور نهائی و فقط نخست وزیر تعویض میشود، تغییر اساسی در برنامه بلند مدت کشور ایجاد نخواهد شد بویژه اگر پادشاه حق وتو داشته باشد، بعنوان عامل تعدیل کننده از برنامه های افراطی چپ یا راست گرائی مطلق جلوگیری خواهد کرد.
۳- رئیس جمهور چون انتخابی است، در مقابل اکثریت مردم یا رأی دهندگان، نه تمام ملت متعهد است و این امکان وجود دارد که بین منافع عمومی بلند مدت مردم و منافع

حزب حاکم و گروه‌های فشار تعارضی بوجود آید. ولی پادشاه موروثی چون منتخب گروه ویژه ای نیست و فرا حزبی و گروهی و قومی و قبیله ای و عشیره ای و جغرافیائی عمل میکند بعنوان پدر و وکیل تمام ملت، بهتر میتواند مدافع منافع بلند مدت جامعه و ملت باشد. در واقع مصلحت پادشاه (برای حفظ بقای خود و نهاد پادشاهی) با منافع ملت یکی است ولی در مورد رئیس جمهور ممکن است چنین نباشد.

۴- برای کشورهاییکه ملت، ترکیبی است از تیره ها و اقوام و قبائل و عشیره های متنوع و هربخش آن لهجه و عادات و سنن و باور مذهبی خود را نیز دارد، نظام پادشاهی بهترین نهاد برای یگانگی و همبستگی ملی و استقلال و یکپارچگی کشور است.
۵- هزینه نهاد پادشاهی از هزینه بسیاری از جمهوریهای مشابه، از نظر جمعیت و وسعت، بسیار کمتر است.
بقیه در شماره آینده

۱۰

پیام نامه شورای باز پس گیری ایران شماره ۳

تاریخ ۲۲ بهمن ۲۵۸۱ شاهنشاهی و ۱۴۰۱ خورشیدی پراپر ۱۱ فوریه ۲۰۲۳ ترسایبی
تلفن گروه نویسندگان در آمریکا ۱۶۵۰۵۲۹۵۲۳۴ و در اروپا ۰۱۱۳۶۳۲۳۸۸۰۴۳
نوشتارهای این شماره:

- ۱- پاینده ایران
 - ۲- باز گشت به خویشتن خویش
 - ۳- پل فکری درون ایران با شاهزاده
 - ۴- اعلامیه غیر قانونی بودن فروش اموال ملت
 - ۵- دعوت شورا برای شرکت در تظاهرات ۲۲ بهمن
 - ۶- اعلامیه مبارزان درون مرز برای تظاهرات ۲۲ بهمن
 - ۷- خبر و تفسیر خبر
 - ۸- برتری سامانه پادشاهی بر سامانه جمهوری
- زهره صفار پور
ژاله دفتریان
محمود احمدی
دکتر سعید حمزوی
دکتر علی کربلایی
اسداله نصر اصفهانی



شورای باز پس گیری ایران زمین

میجنگیم میمیریم ایران را پس میگیریم

آدرس ایمیل شورا bazpasgiri1401@gmail.com

آدرس وبسایت شورا

<https://www.nahadshahanshahi.com/BAZPASGIRI>